

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: بابک آزاد

۱۰/۰۸/۱۷

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران  
شماره ۱۳۳، تیر ماه ۱۳۸۹

## کشف معادن فلزات کمیاب در افغانستان و دندان تیز کردن امپریالیست های اشغالگر!

در روز ۱۴ ژوئن ۲۰۱۰، گزارشی به نقل از گروهی از زمین‌شناسان و مقامات نظامی آمریکا در روزنامه نیویورک تایمز منتشر شد که از کشف معادن بسیار غنی و بکر فلزات در افغانستان به ارزش تقریبی یک تریلیون دلار خبر میداد. گزارش مذکور به روشنی نشان میدهد که هدف از جنگ های امپریالیستی چیزی جز غارت منابع طبیعی کشورهای تحت سلطه و نگاه داشتن مردم آن کشورها در فقر و بدبختی و استثمار شدید نیست. طبق گزارش نیویورک تایمز، منابع غنی کشف شده شامل معادن مس (به ارزش تقریبی ۲۷۴ میلیارد دلار در بازار فعلی)، لیتیوم، آهن (۴۲۱ میلیارد دلار)، طلا (۲۵ میلیارد)، نیوبیوم (۸۱ میلیارد دلار)، مولیبدنوم (۲۴ میلیارد دلار)، کبالت (۵۱ میلیارد دلار) و دیگر مواد معدنی نادر به ارزش ۷۰۴ میلیارد دلار است. (۱) هر چند که در این گزارش اسمی از مقدار و ارزش معادن سنگ های گران قیمتی که در جواهرات مورد استفاده قرار می گیرند و گاز طبیعی افغانستان که در حال حاضر توسط اشغالگران و نوکران داخلی شان غارت می شوند، برده نشده است.

به گفته روزنامه نیویورک تایمز، معادن لیتیوم در افغانستان آنقدر وسیع است که پنتاگون در گزارشی غیر رسمی آن را به ذخایر نفتی عربستان سعودی تشبیه کرده است.

مقامات آمریکائی همچنین می گویند که بهره برداری از معادن کشف شده می تواند ساختار اقتصادی افغانستان را به طور بنیادین تغییر دهد. به خصوص معادن آهن و مس افغانستان آن قدر وسیع هستند که می توانند این کشور را به یکی از بزرگترین صادرکنندگان این فلزات تبدیل کنند و زخم های عمیق اقتصادی - اجتماعی این کشور را که در سالیان طولانی جنگ ایجاد شده از میان بردارند.

مقامات دولتی و نظامی آمریکا با کمال وقاحت و بی شرمی مختص اشغالگران جنایتکار، طرح های خود برای غارت ثروت های طبیعی کشف شده را علناً اعلام کرده و در گزارش "نیویورک تایمز" در این باره آمده که چگونه این ثروت باد آورده به طور کامل تحت کنترل ارتش و دولت آمریکا و چند تا از بزرگترین شرکت های چند ملیتی

قرار دارد و "شرکت های حسابداری بین المللی" در حال مشاوره با وزارت معادن افغانستان هستند که اطلاعات تکنیکی و اعداد و ارقام لازمه را برای تحویل معادن کشف شده به شرکت های معدن چند ملیتی و دیگر سرمایه گذاران خارجی که در مناقصه این معادن برنده شوند ، تهیه کنند. پنتاگون در انتخاب خریداران و سرمایه گذاران برای شرکت در مناقصه که در پائیز [خزان] امسال شروع خواهد شد ، به مقامات افغانی کمک میکند. طبق اظهارات "پال برینکلی" معاون وزیر دفاع آمریکا ، چون وزارت معادن افغانستان از عهده این کارها برنمی آید ، ما سعی میکنیم که به آن ها کمک کنیم.

علی رغم ادعاهای دولت آمریکا ، تنها "کمکی" که پنتاگون به وزارت معادن افغانستان خواهد کرد تفهیم این مسأله است که وزیر معادن افغانستان فقط می تواند با لیستی از خریداران قابل قبول که توسط اشغالگران مشخص شده اند ، کار کند. به عنوان مثال در گزارش "نیویورک تایمز" از قول مقامات پنتاگون گفته شده که شرکت های معدنی چین خریداران قابل قبولی نیستند و حق شرکت در مناقصه را ندارند. یک نمونه از این گونه "کمک" های پنتاگون به وزارت معادن افغانستان در سال گذشته این بود که دولت آمریکا "محمد ابراهیم عادل" وزیر معادن افغانستان را متهم به دریافت ۳۰ میلیون دلار رشوه از دولت چین (در ازای حق بهره برداری از معدن مس منطقه عینک) کرد و در فوریه ۲۰۱۰ او را به این بهانه از مقام وزارت معادن افغانستان برکنار نمود. (۲) پس از اخراج "عادل" ، دولت افغانستان مناقصه برای معدن آهن "هاجیگ" را نیز که دولت چین و هند در آن شرکت داشتند ، ملغی کرد. ماجرای معدن "عینک" نشان میدهد که در واقع خبر مربوط به کشف معادن جدید در افغانستان ، برای ژنولوژیست ها و مقامات دولت آمریکا که از سال ها پیش در افغانستان تحقیقات علمی شان را شروع کرده بودند و اشغال افغانستان را برای بهره برداری از ثروت های طبیعی افغانستان انجام دادند ، خبر جدیدی نیست. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۸ "استفان پیترز" یکی از اعضای سازمان زمین شناسی آمریکا وقتی که در مورد معدن "عینک" با خبرنگاران صحبت میکرد ، اعلام کرد که:

"ما سال هاست که تحقیقات علمی در افغانستان انجام می دهیم. افغانستان دارای معادن معدنی بکر و ناشناخته فراوانی است. تمام مواد اولیه لازم برای ساختن یک جامعه بسیار مدرن در افغانستان وجود دارد. طرح مناقصه معادن آهن و نفت و گاز و ... (که آقای عادل آن ها را روی یک نقشه ژنولوژیکی قدیمی روسی در دفتر کارش علامت گذاری کرده) تکمیل شده اند. درست است که امنیت در اینجا مسأله مهمی است. اما شرکت های معدن به کار در چنین شرایطی عادت دارند. وقتی برای مردم شغل ایجاد کنیم و بهشان مزد بدهیم از زندگی شان راضی خواهند بود. این یک روش خوب برای کنترل تندروهاست."

با توجه به واقعیات موجود ، دولت افغانستان نقش و اختیار عمده ای در چنین پروسه هائی (از کشف معادن گرفته تا تقسیم آن ها بین کمپانی های کشورهای امپریالیستی) ندارد. تنها نقش ایادی رژیم افغانستان ، پادوئی امپریالیست ها در جهت منافع آنان است که به وسیله سرکوب و کشتار مردم افغانستان انجام میشود. به عنوان مثال وقتی که خبرگزاری "بلومبرگ" در روز انتشار گزارش نیویورک تایمز با "عبدل قدوس حمیدی" نایب وزیر معادن افغانستان تماس گرفت که سؤال هائی را در رابطه با کشفیات اخیر از او بپرسد ، "حمیدی" پاسخ داد که تا دریافت یک نسخه از گزارش گروه اکتشاف نمیتواند به هیچکدام از سوالات پاسخ بدهد.

بنابراین دولت آمریکا برای اینکه بتواند کنترل خود را روی منابع هنگفت مواد خام و نیروی کار ارزان در افغانستان تضمین کند و آن ها را از دست رقبای خود (دیگر نیروهای امپریالیستی) و همچنین از دسترس مردم

افغانستان دور نگه دارد ، به اشغال این کشور و افزایش هرچه بیشتر تعداد نیروهای نظامی خود در آن جا دست زده است.

جنگی که بر سر این گونه فلزات معدنی در گرفته ، با افزایش روز افزون قیمت های آن ها نیز رو به گسترش است. شرکت های چینی حاضرند برای هر تن آهن بیش از ۱۲۰ دلار (تقریباً دوبرابر قیمت سال گذشته که ۶۲ دلار بوده) بپردازند. اما آهن تنها فلزی نیست که رقابت و درگیری حول کنترل بر معادن افغانستان را موجب شده ، طبق گزارش "نیویورک تایمز" میزان ذخایر لیتیوم در افغانستان با ذخایر لیتیوم در کشور بولیوی که در حال حاضر بزرگترین صادر کننده لیتیوم در جهان می باشد ، برابر است. پنتاگون در یادداشتی غیر رسمی معادن لیتیوم در افغانستان را به ذخایر نفتی عربستان سعودی تشبیه کرده است. (۳)

مقامات دولت آمریکا که می دانند بیان رک و علنی دلایل اقتصادی که برای حمله نظامی به افغانستان و اشغال آن کشور داشته اند ، منجر به بروز خشم مردم و مخالفت با جنگ در آمریکا و در افغانستان خواهد شد، به داستان سرایی پرداخته و داستان مضحکی در رابطه با چگونگی کشف منابع معدنی افغانستان از زبان "نیویورک تایمز" طرح کرده اند. در گزارش نیویورک تایمز ادعا شده که تیم تحقیق آمریکایی با کمک نقشه‌هایی که از زمان شوروی سابق در دهه ۸۰ میلادی باقی مانده اند ، موفق به کشف معادن جدید شدند. زمین شناسان افغان در زمان جنگ با شوروی و نیز در دوره طالبان این نقشه‌ها را در خانه‌های خود پنهان کرده بودند. اما در سال ۲۰۰۱ پس از سقوط طالبان آن ها را در اختیار کتابخانه نقشه‌برداری افغانستان قرار دادند و در سال ۲۰۰۴ یک گروه از ژئولوژیست های آمریکایی وارد افغانستان شدند و به طور تصادفی (و یا به خاطر پیشانی بلندشان) موفق به کشف این نقشه ها شدند. در این داستان آمده که "وقتی که آن ها یک سری از نمودار های قدیمی را در کتابخانه های افغانستان پیدا کردند، یک هواپیمای جنگنده "اورین پی-۳" قدیمی متعلق به نیروی دریایی و مجهز به دستگاه های پیچیده تعیین ثقل و نیروی مغناطیسی زمین را تهیه کردند که آن ها را در آسمان افغانستان بچرخاند. (۴) آن ها پس از پرواز بر فراز ۷۰ درصد از خاک افغانستان گزارشی را نوشتند مبنی بر اینکه ثروت هنگفتی را در افغانستان کشف کرده اند. و بعد در سال ۲۰۰۷ با یک هواپیمای پیچیده تر انگلیسی به افغانستان برگشتند. گزارش اولیه آن ها در آن دو سال در ادارات آمریکا خاک می خورد (۱)!"

البته "نیویورک تایمز" توضیح نمی دهد که این گروه زمین شناسان چطور توانستند یک هواپیمای نظامی را ناگهان مجهز به دستگاه های پیچیده علمی مدرن ژئولوژیستی کنند. هر دانشجوی سال اول زمین شناسی هم میداند که تعبیه چنین دستگاه های پیچیده ای فقط در هواپیمائی امکان پذیر است که برای استفاده از این دستگاه ها تغییراتی در آن داده شده باشد.

علی رغم این داستان پردازی های عوامفریبانه ، واقعیت این است که مقامات دولت آمریکا و ناتو در همان روز اول حمله نظامی به افغانستان به خوبی میدانستند که در حال اشغال کشوری سرشار از منابع غنی طبیعی من جمله معادن نفت و گاز و آهن و دیگر فلزات گران بهاء هستند. آن ها پس از اشغال افغانستان سال های متوالی تحقیق و جستجوی دقیق علمی را در این کشور تحت سلطه ادامه دادند.

اگر به منابع رسمی منتشر شده توسط خود دولت آمریکا رجوع کنیم می بینیم که آن ها از چندین سال پیش ، از وجود منابع غنی در افغانستان مطلع بوده اند. به عنوان مثال در گزارش دولت آمریکا در سال ۱۹۸۶ در رابطه با مطالعات این کشور در افغانستان در مورد منابع طبیعی آن نوشته شده که افغانستان "دارای منابع عظیم معدنی گوناگون ، گاز طبیعی ، زغال سنگ ، مس ، آهن ، کرومیت ، نفت و اورانیوم" است.

در سال ۲۰۰۲ مجدداً گزارشی توسط دولت آمریکا در رابطه با افغانستان منتشر شد که این کشور را دارای منابع غنی "گاز طبیعی ، نفت ، زغال سنگ ، مس ، کرومیت (نمک اسید کرومیوم) ، باریم ، سولفور ، سرب ، روی ، آهن ، نمک و انواع سنگ های قیمتی" خواند.

اگر دولت آمریکا سال هاست که از منابع افغانستان با خبر بوده است ، چرا حالا چنین گزارشی (گزارش ۱۴ ژوئن نیویورک تایمز) را منتشر کرده است؟

در این رابطه در گزارش "نیویورک تایمز" نوشته شده که "مقامات آمریکائی و افغانی به توافق رسیدند که کشفیات مربوط به معادن فلزات را در لحظات دشوار جنگ مطرح کنند."

معنای این حرف این است که در شرایط کنونی که نیروهای ناتو در بسیاری از نبردهای نظامی در شهرهای افغانستان شکست خورده و دچار تلفات زیادی شده اند ، می توانند این خبر خوب را برای جبران اخبار بد و اجساد که از جنگ از راه می رسند ، منتشر کنند و اکثر مردم این کشورها را که شدیداً با جنگ مخالف هستند به خیال خود راضی کنند.

دولت آمریکا از انتشار خبر کشف منابع معدنی هدف های دیگری نیز دنبال میکند. به عنوان مثال در گزارش نیویورک تایمز آمده که طالبان برای این که این معادن را در اختیار خود بگیرد بر شدت حملاتش بر علیه نیروهای ناتو خواهد افزود. در نتیجه نیروهای آمریکا و ناتو از این مسأله به عنوان بهانه ای برای افزایش شدت حملات نظامی خود در افغانستان استفاده خواهند کرد.

#### زیر نویس ها:

۱ - لیتیوم فلزی فعال است که در باتری های قابل شارژ تلفن های همراه ، کامپیوتر و وسایل الکترونیکی استفاده می شود. نیوبیوم فلزی بسیار کمیابی است که قدرت حمل برق بسیار بالائی دارد.

۲ - معدن مس عینک: معدنی در جنوب کابل که در سال ۱۹۷۴ توسط ژنرال ریست های روس کشف شد و گفته میشود ارزش مس آن بیش از ۸۸ میلیارد دلار (بیش از دو برابر درآمدهای ناخالص ملی افغانستان) است. یکی از بهانه های دولت آمریکا برای حمله نظامی به افغانستان در سال ۲۰۰۱ این بود که گویا گروه القاعده در "عینک" پایگاه آموزش تروریستی ایجاد کرده بود. در سال ۲۰۰۸ دولت چین اعلام کرد که قصد دارد با کمک دولت انگلستان این معدن را (که در آن زمان ویرانه ای پر از مین های منفجر نشده و تکه های بمب و خمپاره و... بود) مورد بهره برداری قرار دهد. این معدن در نوامبر آن سال به مبلغ ۳ میلیارد دلار و به مدت سی سال به چین اجاره داده شد. شرکت های معدن و صاحبان سرمایه های مالی اقرار کردند که به معدن "عینک" به عنوان یک کار آزمایشی نگاه میکنند. اگر چین در راه اندازی این معدن در شرایط جنگی کنونی موفق شود ، آن گاه سرمایه های آمریکائی نیز برای بهره برداری از دیگر معادن این کشور اقدام عملی خواهند کرد. در آن سال نیز ادعا میشد که به خاطر اجاره دادن "عینک" به چین ، وضع اقتصادی مردم افغانستان در ۱۰ تا ۱۲ سال بعد خیلی بهتر خواهد شد.

۳ - این نکته اشاره به این است که عربستان سعودی به دلیل تولیدات عظیم نفتی خود میتواند قیمت نفت در جهان را تعیین کند.

۴ - هواپیمای چند منظوره پی-۳ بیش از ۳۰ سال است که به طور پیوسته تولید می شود و تاکنون بیش از ۷۰۰ فروند آن به خدمت ارتش ها ، آتش نشانی ها ، نیروهای حافظ صلح سازمان ملل و هواشناسی های کشورهای

مختلف در آمده اند. تجهیزات الکترونیکی این هواپیما همواره در حال تغییر و تکامل بوده اند. از این رو سازنده پی-۳ در به کار گیری آن ها به درخواست و سلیقه مشتری عمل می کند.